

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

در شرط ششم گفتیم اعراب باده نشین، یعنی کسانی که از نقطه‌ای به نقطه دیگر حرکت می‌کنند، نمازشان تمام است و از ادله بحث استثنا هستند. فرمایش آقای بروجردی و مناقشاتی که به ذهن می‌رسید را بیان کردیم.

فرع اول شرط ششم

امام (رضوان الله علیه) در ادامه این شرط، می‌فرماید «نعم لو سافروا لمقصد آخر من حج أو زيارة و نحوهما قصرُوا كغيرهم» اعراب باده نشین، مادامی که دنبال احشام‌شان هستند و احشام را از این نقطه به آن نقطه می‌برند، نمازشان تمام است؛ اما اگر غیر از این کار نیت دیگری کنند، مثلاً می‌گویند می‌خواهیم به حج برویم، نمازشان قصر است.^[1]

صاحب جواهر در مورد این فرع می‌فرماید «و من هنا يعلم أنه لو قصد بعضهم قطع مسافة لزيارة أو نحوها مما لا يندرج في الحال الأول (حال اول این بود که مثلاً من مکانی به مکان دامداری می‌کردند)، يترخص» اگر این‌ها به مقصد آخر مثل حج، مشهد الرضا، صله رحم، تفریح و... حرکت کردند، نمازشان قصر است.

دلیل صاحب جواهر این است که ادله اطلاق دارد؛ به این بیان که ما هستیم و ادله قصر نماز مسافر مثل «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ»^[2] یا روایاتی که می‌گوید، اگر هشت فرسخ رفتید نماز را قصر کنید. اما افرادی که «بیوتهم معهم» هستند یا به تخصص (طبق نظر مرحوم آقای بروجردی) یا به تخصیص (طبق نظر ما) خارج شدند؛ اما در غیر این مورد باید به اطلاق ادله عمل کرد. اطلاق ادله هم می‌گوید اگر برای حج، زیارت، صله رحم و... رفتند، باید نمازشان را شکسته بخوانند.^[3]

دیدگاه مرحوم خوئی

مرحوم آقای خوئی (قدس سره) ابتدا در بیان مسئله می‌فرماید «لو خرج هذا الدوّار (کسی که در بیابان‌ها دور می‌زند و از این نقطه به آن نقطه می‌رود) لغاية أخرى كاختيار منزل يقيم فيه أياماً، أو طلب محلّ القطر أو العشب، أو لأمر واجب أو مستحب من حجّ أو زيارة و كان مسافة».

در ادامه سه قول مطرح می‌کنند و می‌فرمایند «فهل يقصر، أو يتم، أو يفصل بين الغاية الدنيوية كتحصيل مكان فيه عشب فيتم، و

الف- آیا باید به جهت اطلاق ادله (که در کلام مرحوم سید هم بود) قصر بخواند؛

ب- یا باید به جهت وجود اطلاق در ادله استثناء از عمومات قصر نماز، تمام بخواند؛ یعنی ادله استثناء می‌گوید، من کان بیته معه نمازش تمام است و برای کسی که اصلاً بیت ندارد بین کار خودش (چرای گوسفندان) و حج فرقی وجود ندارد پس باید تمام بخواند.

ج- یا باید بین غایت اخروی و دنیوی تفصیل بدهیم به این بیان که اگر به قصد تحصیل غایت دنیوی می‌رود مثلاً می‌خواهد سبزه‌زاری پیدا کند یا منزلی را تهیه کند تمام بخواند چون مقاصدشان دنیوی است. اما اگر غایت و هدفش اخرویه است مانند زیارت نماز را قصر بخواند چون ماهیت کار فرق پیدا کرده‌است.

ایشان در ادامه تفصیلی دیگر ذکر کرده و می‌فرمایند اگر در این سیر، صدق عنوان بیته معه بر او وجود داشته باشد، مثلاً بادیه‌نشینی که چادر و خیمه‌اش همراهش است ولی می‌گوید هر چند از این بیابان به آن بیابان می‌رویم اما در مسیرمان حج هم انجام می‌دهیم، باید نمازش را تمام بخواند. ولی اگر در بیابان از این نقطه به نقطه دیگر برود اما چادر و احشام را می‌گذارد و می‌گوید می‌خواهم به سفر حج بروم یا صله رحم کنم، یا برای تفریح به نقطه‌ای بروم، باید نمازش را قصر بخواند.

در ادامه می‌فرماید شاید این‌که مرحوم سید در عروه گفته نماز را قصر بخواند، مرادش همین فرض باشد که لم یصدق علیه آن بیته معه؛ یعنی اگر چادرش را در همان بیابان گذاشت و احشامش را به کسی داد و گفت می‌خواهم به زیارت بروم؛ اما اگر بر او صدق بیته معه وجود داشت، باید نمازش را تمام بخواند.^[4]

بررسی دیدگاه مرحوم خوئی

مطلبی که در بررسی دیدگاه مرحوم بروجردی گفتیم اینجا هم مطرح است یعنی اگر گفتیم عنوان «بیوتهم معهم» دخالت و موضوعیت دارد و عنوان مشیر نیست، حق با مرحوم آقای خوئی است و قول مرحوم امام و سید که فرمودند قصرُوا یا قول به اتمام یا قول به تفصیل بین غایت اخروی و دنیوی، صحیح نیست؛ بلکه باید در مقام تفصیل ذکر شده توسط مرحوم خوئی را قائل شد؛ یعنی روایت می‌گوید مادامی که بیوتهم معهم یتمون، پس وقتی که اعرابی می‌خواهد به حج برود و دام‌ها را با خود می‌برد، مصداق بیوتهم معهم است و نماز را باید تمام بخواند؛ اما اگر مصداق بیوتهم معهم نیستند، باید نماز را قصر بخواند.

اما اگر گفتیم عنوان «بیوتهم معهم»، عنوان مشیر دارد و موضوعیت ندارد (كما هو المختار)، این عنوان می‌گوید کونهم فی حال السیر، پس بود و نبود بیت فرقی در مسئله ایجاد نمی‌کند و چون اینها افرادی هستند که سفرشان اکثر من حضرشان است لذا نمازشان تمام است. در مورد راننده، استاد، دانشجو و... هم، اختلافات موجود به جهت مبنای «لأنه عملهم» است؛ اما اگر توانستیم آن‌ها را هم از مصادیق سفره اکثر من حضره قرار بدهیم مشکل حل می‌شود.

عمده شاهد ما برای مشیریت عنوان «بیوتهم معهم» این است که بودن بیت با اینها دخالتی در ملاک تمامیت نماز ندارد. آنچه عقلایی است و دخالت در ملاک دارد این است که اینها همیشه در حال سیر هستند. کما این‌که عجیب است مرحوم آقای بروجردی در مسئله بعد می‌گویند شغل دخالتی در تمامیت نماز ندارد و عنوان «لأنه عملهم» را به کلام قدما (من کان سفره اکثر من حضره) برمی‌گردانند ولی در این مسئله برایش موضوعیت قائل شده‌اند.

به بیان دیگر کسانی که می‌گویند این عنوان موضوعیت دارد، ابتدا می‌گویند شارع مقدس به جهت یُسْر فرموده نماز مسافر شکسته است. در ادامه می‌گویند چون اعرابی دائماً در حال سیر است، سفر برایش مشقت ندارد و چون مشقت ندارد باید نماز را تمام بخواند.

به نظر ما خانه به دوش بودن هزار درجه مشقت دارد! از طلبه‌هایی که اجاره‌نشین هستند (که اکثر طلاب در قم اجاره‌نشین هستند) پرسید، وقتی هر سال زمان اجاره طلبه‌ای تمام می‌شود، چقدر مشقت برای او ایجاد می‌شود. بله زندگی اعرابی خیلی بسیط است یعنی یک چادر و وسائل محدودی دارد ولی نقل و انتقال همین‌ها مشقت دارد؛ ولی با وجود این که مشقت دارد باز هم باید نماز را تمام بخواند. پس معلوم می‌شود بیوتهم معهم مدخلیت ندارد و مسئله سیر مطرح است و چون سیر برایشان عادی شده و مشقت ندارد لذا باید نمازشان را تمام بخوانند.

فرع دوم شرط ششم

فرع دیگری که امام مطرح می‌کنند (مرحوم آقای خوئی این فرع را با فرع قبلی با هم آورده‌اند) این است که «و لو سار أحدهم لاختیار منزل مخصوص أو لطلب محل الماء والعشب مثلاً و كان يبلغ مسافة ففي وجوب القصر أو التمام عليه إشكال، فلا يترك الاحتياط بالجمع» اگر اعرابی بگوید من از نداشتن جای معین خسته شدم و می‌خواهم خانه‌ی معینی را برای خودم پیدا کنم یا می‌گوید دنبال محل آب و عشب هستم که بمانم و از جایی که تصمیم می‌گیرد تا جایی که می‌خواهد خانه را معیناً پیدا کند حد مسافت است. در این مسیر باید نمازش را تمام بخواند یا شکسته؟

به بیان دیگر مادامی که این فرد مصداق اعرابی است نمازش تمام است. ولی وقتی مثلاً می‌گوید من پیر شدم و می‌خواهم خانه معینی در جایی پیدا کنم و از این جا تا آن جا بیش‌تر از هشت فرسخ است، بحث شده که در این مسیر نمازش قصر یا تمام بخواند؟ مرحوم امام می‌فرماید اشکال وجود دارد و در این مسیر باید نمازش را جمع بخواند.^[5]

عین همین عبارت را مرحوم سید دارد که می‌فرماید فیه اشکال و احتیاط این است که جمع بخواند یعنی هم تمام و هم شکسته.

مرحوم آقای خوئی هم در این فرع می‌گویند ملاک همان است که ما گفتیم یعنی اگر مبدأ مصداق بیوتهم معهم بود، نمازش تمام است و اگر از مصادیق بیته معه نبود، نمازش قصر است.

وجه قول به احتیاط

وجه اشکال و قول به احتیاط این است که از یک طرف احتمال می‌دهیم که باید نمازش را قصر بخواند و یک احتمال هم این که باید نمازش را تمام بخواند.

صاحب جواهر در مقام اشاره به وجه اشکال می‌فرماید «لا احتمال عدم عد مثل ذلك بالنسبة إليه سفراً إذا لم يكن خارجاً عن المعتاد، و اندراج فی البدوی الذي يطلب القطر» از یک طرف مندرج در عنوان بدوی است که دنبال مکانی است می‌باشد و فرقی ندارد که آن مکان عشب یا منزل باشد پس داخل در موضوع روایات است. در این احتمال هر چند نیت جدید وجود دارد ولی چون در روایات وارد شده که «الاعراب یتمون» لذا صدق بدوی بر او وجود دارد.

احتمال دیگر این است «عدم عد مثل ذلك بالنسبة إليه سفراً إذا لم يكن خارجاً عن المعتاد» در این مسیر، صدق سفری که تا حالا بر بدوی داشت را نداشته باشد؛ یعنی سفری که در آن نماز تمام است، جایی است که حالا گوسفندانش را از این نقطه به

آن نقطه ببرد، ولی این سفر دیگر آن سفر نیست و عنوانش عوض شده لذا باید نمازش را قصر بخواند.

چون برای هر دو احتمال دلیل وجود دارد و نمی‌شود هیچ کدام را بر دیگری ترجیح داد، لذا می‌گویند فیه اشکال؛ در مواردی هم که فقیه نتواند یکی از دو طرف را ترجیح بدهد، قاعداً احتیاط می‌کند.^[6]

مرحوم آقای خوئی (رضوان الله تعالی) می‌فرمایند اگر در این مسیر یصدق آن بپته معه، باید نمازش را تمام بخواند ولی اگر بیت، خیمه و گوسفندان را به کسی واگذار کرد و گفت ما پولی داریم و می‌خواهیم خانه‌ای پیدا کنیم و تا آخر عمر زندگی کنیم، نمازش را باید قصر بخواند.

به نظر ما اگر برای قید «بیوتهم معهم» موضوعیت قائل شدیم، حق با ایشان است و مجالی برای اشکال نیست. چون در روایات وارد شده «الاعراب یتمون لانهم یتهم معهم» پس اگر بیتهم معهم صدق کرد نماز تمام است ولی اگر صدق نکرد نماز قصر است.

اما اگر این قید را مشیر به کثرت سفر دانستیم، بر این فرد هنوز صدق کثرت سفر وجود دارد، لذا باید نماز را تمام بخواند. بلکه بعداً که خانه گرفت و دامداری را کنار گذاشت از این عنوان خارج می‌شود.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ تحرير الوسيلة، ج1، ص: 254.

[2] □ نساء، 101.

[3] □ «و من هنا يعلم أنه لو قصد بعضهم قطع مسافة لزيارة أو نحوها مما لا يندرج في الحال الأول يترخص، لإطلاق الأدلة.» جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج14، ص: 270.

[4] □ «إنما الإشكال فيما لو خرج هذا الدوار لغاية أخرى كاختيار منزل يقيم فيه أياماً، أو طلب محل القطر أو العشب، أو لأمر واجب أو مستحب من حج أو زيارة و كان مسافة، فهل يقصر، أو يتم، أو يفصل بين الغاية الدنيوية كتحصيل مكان فيه عشب فيتم، و الأخرى كالزيارة فيقصر؟ الظاهر هو التفصيل بين ما إذا كان بيته معه في هذه الحركة أيضاً كأن يجعل أحد موارد سيره الحج أو الزيارة مثلاً فيبقى حينئذ على التمام، نظراً إلى أن وضعه الجديد بمسافته الجديدة لا يختلف عن السابق، و يصدق عليه في كلتا الحالتين أن بيوتهم معهم، المذكور في الموثق. و بين ما لو أبقى بيته من خيم و فسطاط و أمتعة و نحوها و خرج بنفسه لمقصده كسائر المسافرين فيجب القصر لصدق عنوان السفر حينئذ، و عدم شمول الموثق له بعد أن لم يكن بيته معه. فهذا هو المناط في الحكم بالقصر أو التمام.» موسوعة الإمام الخوئي، ج20، ص: 150.

[5] □ تحرير الوسيلة، ج1، ص: 254.

[6] □ جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج14، ص: 270 و 271.